

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۷/۰۴/۱۷

موضوع: اهمیت پاسخ به شبهات در بیان امام صادق (علیه السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی محمد رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و شهادت جانسوز و مظلومانه رئیس مذهب امام صادق (سلام الله علیه) را به پیشگاه مقدس مولا و سرور و تاج سرمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و به صاحب نعمت ما حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همچنین به همه دلباختگان اهل بیت عصمت و طهارت و شما عزیزان و گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی امام صادق (علیه السلام) سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصیبت جانکاه فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم قرار بدهد، با ذکر صلوات غراء ان شاء الله.

قبل از آغاز سخن روایتی را از امام صادق (علیه السلام) تقدیم کنم. حضرت به «اسحاق بن عمار» فرمودند:

«یا إسحاقُ خِفِ اللهَ کَأَنَّکَ تَرَاهُ»

یا اسحاق! از خداوند عالم آنچنان بترس که گویا او را می‌بینی.

«وَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»

اگر ایمانت در حدی نیست که خدا را مشاهده کنی و ببینی، یقین کن که خداوند تو را می‌بیند.

«فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ»

اگر معتقد هستی که خدا تو را نمی‌بیند کفر است.

«وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ»

اگر معتقد هستی که خداوند تو را می‌بیند با این حال بازهم گناه می‌کنی، نسبت به خداوند بی‌مهری می‌کنی و به نظر خداوند بی‌توجهی می‌کنی.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۶۸،

ح ۲

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرماید: سرمنشأ تمام گناهان ما به ضعف ایمان ما و شاهد ندیدن خداوند عالم بر خود ما برمی‌گردد.

اگر ما به نظارت خداوند عالم به اندازه نظارت یک کودک خردسال اهمیت دهیم، هرگز گناه نمی‌کنیم. زمانی که یک کودک خردسال کنار ماست، نزد او کار خلاف ادب از ما سر نمی‌زند.

حال با اینکه خداوند عالم، عالم به تمام اسرار و خفیات است و ناظر و آگاه بر تمام اعمال و کردار ماست، گناه می‌کنیم.

بنده خواستم این جمله را از امام صادق سلام الله علیه در طلیعه سخنانم عرض کرده باشم. امشب که متعلق به رئیس مذهب امام صادق سلام الله علیه است مقداری صحبت کنم؛ گرچه نمی‌شود در یکی دو جلسه حق مطلب را نسبت به این بزرگوار ادا کرد، زیرا:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

من عرایضم را در سه چهار بخش تقدیم می‌کنم. بخش اول نگاه بزرگان اهل سنت به امام صادق سلام الله علیه است. علی رغم اینکه خلفا و دشمنان، تمام تلاششان را به کار بردند تا نقطه ضعفی از زندگی ائمه اطهار پیدا کنند و با آن نقطه ضعف جایگاه آنان را در جامعه مخدوش کنند و آنان را در جامعه بی‌آبرو کنند، با تمام این تلاش‌ها دشمنان نه تنها نتوانستند نقطه ضعفی پیدا کنند، بلکه بزرگان و ارکان علمی آن‌ها تعابیری نسبت به ائمه اطهار به کار برده‌اند که این تعابیر را در ائمه اربعه خودشان همانند «مالک»، «ابوحنیفه»، «شافعی» و «أحمد بن حنبل» به کار نبردند.

«ذهبی» که در نصب و عداوت با اهل بیت آوازه دهر خود بود و به تعبیر بعضی از شاگردانش که می‌گوید: "استاد ما یک فرد ناصبی است و تمام تلاش خود را به کار می‌برد روایاتی که مربوط به خلافت امیرالمؤمنین و افضلیت امیرالمؤمنین است را به نوعی از کار بیندازد"، تلاش می‌کند در روایات مربوط به خلافت و افضلیت امیرالمؤمنین یا اشکال سندی کند و یا اشکال دلالی کند، اما اگر اشکال سندی و دلالی پیدا نکرد می‌گوید: «القلب یشهد أنه باطل»؛ قلب من شهادت می‌دهد که این روایت باطل است!!

«ذهبی» در کتاب «میزان الاعتدال» جلد ۲ صفحه ۶۱۳ حدیث معروف رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را می‌آورد که حضرت می‌فرماید:

## «یا علی حبیبک حبیبی و حبیبی حبیب الله، عدوک عدوی و عدوی عدو الله»

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨ هـ)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ٢، ص ٦١٣ تحقيق: البجاوي، علي محمد، ناشر: دار المعرفة، بيروت.

ولی آن را ضعیف می خواند! علی رغم اینکه «حاکم نیشابوری» به صراحت بر صحت روایت اعتراف می کند و بزرگان دیگر اهل سنت این روایت را با تصحیح سندی ذکر می کنند.

با تمام این احوالات قلب «ذهبی» نمی تواند این روایت را قبول کند! زیرا با قبول این روایت مبانی فکری و اعتقادی او برای همیشه متزلزل می شود.

«ذهبی» با همین شدت نصب و عداوت زمانی که در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد ٩ صفحه ٩٣ به امام صادق (علیه السلام) می رسد، تعبیر جالبی دارد و می نویسد:

«مناقب جعفر کثیرة، وکان يصلح للخلافة»

مناقب و فضائل امام صادق ، فراوان است و صلاحیت خلافت دارد.

«لسؤدده وفضله وعلمه وشرفه رضی الله عنه»

به خاطر سیادت، بزرگی، فضائل، اعمال و کردارش شایستگی خلافت دارد.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي، دار

النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عمر عبد السلام

تدمری، ج ٩، ص ٩٣، باب ٤ جعفر الصادق، م

او همچنین در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ششم صفحه ۲۵۷ زمانی که به امام صادق سلام الله علیه می‌رسد، از قول «ابوحنیفه» رهبر حنفی‌ها متوفای ۱۵۰ نقل می‌کند که وی گفت:

«ما رأیت أحدا أفقه من جعفر بن محمد»

من هرگز فقیه‌تر از امام جعفر صادق ندیدم.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۶، ص ۲۵۷،

باب ۱۱۷ جعفر بن محمد (ع)

همچنین «ابوحنیفه» که دو سال در مسافرتی که امام صادق به کوفه داشت سکونت گزیده بود و افتخار شاگردی حضرت را پیدا کرد، به صراحت اعلام می‌کند:

«لولا السنن لهلك النعمان»

اگر آن دو سال نبود، من ابوحنیفه بیچاره می‌شدم.

کتاب: مختصر التحفة الاثنی عشریة، ألف أصله باللغة الفارسیة: علامة الهاند شاه عبد العزیز غلام حکیم الدهلوی، نقله من الفارسیة إلى العربیة: (سنة ۱۲۲۷ هـ) الشیخ الحافظ غلام محمد بن محیی الدین بن عمر الأسلمی، اختصره وهذبه: (سنة ۱۳۰۱ هـ) علامة العراق محمود شکری الألوسی، حققه وعلق حواشیه: محب الدین الخطیب، الناشر: المطبعة السلفية، القاهرة، عام النشر: ۱۳۷۳ هـ، ج ۱، ص ۸، باب الشیعة السبیة

«آلوسی» این مطلب را در کتاب «مختصر التحفة الاثنی عشریة» با آب و تاب نقل می‌کند و می‌نویسد: این سخن «ابوحنیفه» بر فراز تاریخ می‌درخشد که او با صدای رسا فریاد می‌زند:

«لولا السنتان لهلك النعمان»

«ابن تیمیه حرانی» بزرگ لیدر وهابیت و بزرگ نظریه پرداز وهابیت یا به تعبیر دیگر پیغمبر و خدای وهابیت در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد چهارم صفحه ۱۲۶ وقتی به امام صادق (علیه السلام) می‌رسد، می‌گوید:

«فإن جعفر بن محمد لم یجیء بعد مثله»

تاریخ کسی همانند امام جعفر صادق را سراغ ندارد.

او به صراحت می‌نویسد که تاریخ همانند امام صادق را به خود ندیده است. کسانی که دشمن اهلبیت هستند و کمر همت برای مخدوش کردن جایگاه اهلبیت علیهم السلام بسته‌اند، زمانی که به ائمه اطهار به ویژه امام صادق می‌رسند این چنین تعابیر زیبا و عالی و ارزشمند دارند.

البته سخن در این زمینه زیاد است، اما من به همین اندازه اکتفا می‌کنم. نکته دیگری که لازم است در چنین شبی به آن اشاره شود، این است که غالب بزرگان و چهره‌های برگزیده اهل سنت افتخار شاگردی امام صادق سلام الله علیه داشتند.

علمایی مانند «ابوحنیفه»، «مالک» متوفای ۱۷۹ هجری، «شافعی» متوفای ۲۰۴ با یک واسطه، «احمد بن حنبل» با دو واسطه شاگردان امام صادق هستند.

همچنین بسیاری از شخصیت‌های برجسته اهل سنت همانند «سفیان بن عیینه»، «سفیان ثوری»، «شعبه»، «مالک بن انس»، «محمد بن اسحاق»، «یحیی بن سعید قطان» که یکی از چهره‌های برگزیده و فقهای نامی اهل سنت هستند پای درس امام صادق نشستند.

علمای نامبرده همگی افتخار شاگردی امام صادق (علیه السلام) را دارند. دوستان به کتاب «تهذیب الکمال» اثر «مزی» که مفصل‌ترین و گسترده‌ترین کتاب رجالی اهل سنت است و در ۳۵ جلد تدوین شده است مراجعه کنند تا با اسامی شاگردان امام صادق آشنا شوند.

در جلد پنجم این کتاب صفحه ۷۵ وقتی شاگردان امام صادق را می‌شمارد، بزرگان و افراد نامی و اهل سنت را جزء کسانی می‌شمارند که از کنار مائده علمی امام صادق (علیه السلام) بهره برده‌اند.

«ابن تیمیه حرانی» در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد چهارم صفحه ۱۲۶ وقتی به امام صادق می‌رسد، می‌گوید:

«وقد أخذ العلم عنه هؤلاء الأئمة»

امامان ما علوم را از محضر امام صادق گرفتند.

«کمالک وابن عیینة وشعبة والثوری وابن جریج ویحیی بن سعید وأمثالهم من العلماء المشاعیر الأعیان»

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۴، ص ۱۲۶، فصل قال الرافضی فهؤلاء الأئمة

الفضلاء المعصومون

او بخشی از شخصیت‌های علمی که شاگردان امام صادق بودند را نام می‌برد.

نکته سوم در اینجا جمله‌ی بسیار زیبایی است که امام صادق سلام الله علیه به دو تن از شخصیت‌های برجسته فقهی و کلامی اهل سنت به نام‌های «سلمة بن کهیل» و «حکم بن عینة» می‌فرماید:

«شَرَّفَا وَ عَزَّبَا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»

اگر شرق و غرب عالم را زیر پا بگذارید، علوم صحیح و معرفت صحیح اسلامی را جز از در خانه ما اهل بیت جای دیگری پیدا نمی‌کنید.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۳۹۹، ح ۳

به فرموده امام صادق اگر تمام دنیا را زیر پا بگذارید، اساتید برجسته خودتان را امتحان کنید علم صحیح و نکات زیبایی اسلامی و معارف دینی و اعتقادی را باید از ما اهل بیت فرا بگیرید.

آقای «سلمة بن کهیل» متوفای ۱۲۱ هجری تقریباً ۲۷ سال قبل از وفات امام صادق (علیه السلام) از دنیا رفته است. «ابن حجر» وقتی به شرح حال «سلمة بن کهیل» می‌رسد، می‌گوید:

«کان رکنًا من الأركان»

او رکنی از ارکان ماست.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الفکر -

بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۴، ص ۱۳۷، ح ۲۶۹



همچنین در مورد «حکم بن عتیبه» می‌نویسد:

«وعلماء الناس عيال عليه»

علمای ما ریزه‌خوار سفره او بودند.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الفكر -

بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۷۵۶

امام صادق به این دو نفر می‌فرماید:

«شَرِّفًا وَ عَزْبًا فَلَا تَجْدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»

نکته چهارم: یکی از بزرگ‌ترین خدماتی که امام صادق به دنیای علم و جهان اسلام تقدیم کردند، تربیت شاگردان برجسته است که هریک از آنان ستاره‌ای در آسمان درخشان فقاقت و علم اصول و علم کلام و دیگر علوم اسلامی بودند.

«مرحوم شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه)» وقتی به شرح حال شاگردان امام صادق سلام الله علیه می‌رسد، می‌نویسد:

«فَإِنَّ أَصْحَابَ الْحَدِيثِ قَدْ جَمَعُوا أَسْمَاءَ الرُّوَاةِ عَنْهُ مِنَ الثَّقَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهِمْ فِي الْأَرَاءِ وَ الْمَقَالَاتِ فَكَانُوا أَرْبَعَةً

آلاف رَجُلٍ»

در پای درس امام صادق چهار هزار نفر اعم از شیعه و سنی با اختلاف مبانی فقهی و عقیدتی نشستند و استفاده کردند.

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت

عليهم السلام، ج ۲، ص ۱۷۹، فصل في تاريخ ولادة الإمام الصادق ع و وفاته و النص على إمامته

در تاریخ کسی از علمای اهل سنت یا علمای شیعه سراغ ندارید که چهار هزار نفر شیعه و سنی و حنفی و مالکی و دیگر مذاهب پای درس او بنشینند و از محضر او بهره ببرند. «حسن بن علی و شاء» به مسجد کوفه اشاره می‌کند و می‌گوید:

«أدرکت فی هذا المسجد تسعمائة شیخ کل یقول حدثنی جعفر بن محمد»

به این مسجد آمدم و دیدم نهصد نفر از بزرگان صاحب آراء و صاحب فتوا از امام صادق حدیث نقل می‌کنند.

رجال النجاشی، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۸۰، باب ۸۰ الحسن بن علی بن زیاد

این از افتخارات امام صادق و خدمات ارزنده امام صادق سلام الله علیه بوده است.

شرح حال «محمد بن مسلم» متوفای ۱۵۰ هجری را ملاحظه کنید. ایشان با «زراره» و «ابو بصیر» و دیگران در یک سال از دنیا رفته است که آن سال به «سنة الحزن» مشهور است. او می‌گوید:

«مَا سَجَرَنِي فِي قَلْبِي شَيْءٌ قَطُّ إِلَّا سَأَلْتُ عَنْهُ أَبَا جَعْفَرٍ ع حَتَّى سَأَلْتُهُ عَنْ ثَلَاثِينَ أَلْفَ حَدِيثٍ»

الإختصاص، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود،

ص ۲۰۱، باب ما روی فی محمد بن مسلم

او به صراحت می‌گوید: من سی هزار حدیث در محضر امام صادق سؤال کردم و فراگرفتم. این مطالب همگی نشانگر این است که امام صادق از فضای باز سیاسی که ایجاد شد استفاده‌های مفیدی کردند. زمانی که بنی امیه و بنی عباس

مشغول درگیری و جنگ و جدال بودند، حضرت دانشگاه بزرگ اسلامی را تأسیس کرد و در این دانشگاه بزرگ، شخصیت‌های برجسته‌ای را تربیت کرد.

«جابر بن یزید جعفی» می‌گوید: من از محضر امام صادق پنجاه هزار روایت شنیدم، اما نتوانستم این روایات را برای کسی نقل کنم.

جالب اینجاست که «مسلم بن حجاج نیشابوری» صاحب «صحیح مسلم» متوفای ۲۶۱ هجری در ابتدای کتاب «صحیح مسلم» روایتی را از «جابر بن یزید جعفی» نقل می‌کند و می‌گوید:

«جابر» در یک روایت می‌گوید پنجاه هزار و در روایت دیگری می‌گوید هفتاد هزار روایت از محضر امام صادق (علیه السلام) فراگرفتم، اما من یک روایت را نقل نمی‌کنم به دلیل اینکه «جابر بن یزید جعفی» معتقد به رجعت است! اوج مظلومیت شیعه همین است! به دلیل اینکه «جابر بن یزید جعفی» معتقد به رجعت است، «مسلم» از او روایت نقل نمی‌کند! به خاطر یک مسئله عقیدتی از هفتاد هزار روایت محضر امام صادق (علیه السلام) صرف‌نظر می‌کند. نکته دیگری که در اینجا لازم می‌بینم آن را اشاره کنم و یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های امام صادق سلام الله علیه بود، نشر شبهات گوناگون در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در مسائل کلامی، فقهت و امامت بود. امام صادق سلام الله علیه از یک طرف می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالتُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئُهُ»

علمای شیعه ما مرزبانانی هستند که از ورود شیاطینی که القاء شبهه می‌کنند، جلوگیری می‌کنند.

«فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ»

کسانی که در حوزه پاسخگویی به شبهات متصدی باشند و تلاش کنند، از یک میلیون افرادی که در میدان نبرد علیه دشمن جهاد می‌کنند افضلیت دارند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص ۵،

ح ۸

از دیدگاه امام صادق یک پاسخگو به شبهات از یک میلیون رزمنده برتری دارد. حضرت در پاسخ به چرایی برتری این افراد می‌فرماید: رزمنده‌ها از خاک کشور اسلامی دفاع می‌کنند و مجاهدین عرصه فرهنگی، از دین مسلمانان دفاع می‌کنند.

دوستان عزیز و سروران گرامی! ما در عصر حاضر که با سیل عظیم شبهات از طرف دشمنان اسلام، وهابیت و بعضی از افراد منتسب به تشیع مواجه هستیم و از هر طرف شبهه به سمت ما سرازیر است؛ به تعبیر مقام رهبری فضای مجازی قتلگاه جوانان شده است؛ در این عصر، سخن امام صادق جایگاه ویژه‌ای دارد. کسانی که در این حوزه کار می‌کنند کار خود را ارزشمند بدانند و به کار خود اهمیت دهند، زیرا کارشان از کار یک میلیون رزمنده بالاتر است. امام صادق سلام الله علیه در این حوزه نه تنها سخن می‌گوید، بلکه عملاً وارد می‌شود و شاگردان برجسته‌ای را تربیت می‌کند. شاگردانی که هریک از آنان افتخاری در جامعه اسلامی آن روز بودند.

دوستان به «رجال کشی» مراجعه کنند و شرح حال «هشام بن سالم» و «هشام بن حکم» را ببینند. امام صادق در آنجا از اهتمامش به موضوع شبهه، تربیت شاگردان و تشویق شاگردانش برای مناظره با مخالفان نکاتی بیان فرموده است.

ارزش این نکات به قدری است که همین یک روایت ارزش دارد تا در یک ترم دانشگاهی تدریس شود. این روایت به قدری ارزشمند است که انسان باید بیست یا سی جلسه در مورد آن صحبت کند.

در این روایت وارد شده است که مردی از دیار شام می‌آید تا با امام صادق مناظره کند و خبر پیروزی خود را در منطقه شامات نقل کند و برگ افتخاری برای خود تهیه کند. این شخص خدمت امام صادق می‌رسد.

«مرحوم کلینی» در جلد اول از کتاب «کافی» صفحه ۱۷۱ «بَابُ الْإِضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ» از «یونس بن یعقوب» نقل می‌کند. نقل «مرحوم کلینی» با نقل «مرحوم کشی» تفاوت‌هایی دارد. در نقل «مرحوم کلینی» وارد شده است که امام صادق سلام الله علیه در منطقه منا داخل چادر بودند. مرد شامی آمد و تقاضای مناظره با امام صادق کرد.

حضرت به «یونس بن یعقوب» فرمودند: ای یونس! ای کاش علم مناظره و کلام می‌دانستی تا با این مرد شامی مناظره می‌کردی. «یونس بن یعقوب» می‌گوید: افسوس من در این رشته زحمت نکشیدم، تلاش نکردم و توانایی ندارم.

حضرت می‌فرماید: به اصحاب مراجعه کن و اصحابی که در علم کلام و مناظره توانمند هستند را بیاور. «یونس بن یعقوب» می‌گوید: من رفتم و «زراره»، «هشام بن سالم»، «أبان بن تغلب» و «مؤمن الطاق» را پیدا کردم و آوردم. او در ادامه می‌گوید: مشاهده کردم علی رغم اینکه این افراد همگی از شخصیت‌های برجسته علمی شیعه و از شاگردان برجسته امام صادق هستند، اما هنوز دل امام صادق آرام نگرفت و از پنجره خیمه بیرون را نگاه می‌کند و منتظر شخص دیگری است.

او می‌گوید: مشاهده کردیم که از دور شخصی سوار بر شتر می‌آید. امام صادق زمانی که از دور سواره را دید، خوشحال شد و فرمود: «هشام» می‌آید! «هشام» یکی از اصحاب بود که در آن زمان چهارده یا پانزده سال بیشتر نداشت و محاسنش کامل درنیامده بود.

دوستان عزیز و سروران گرامی! اجازه بدهید این سخن را برای بزرگواران اهل علم عرض کنم. آیا ما هم در این حوزه کاری کردیم که وقتی امام زمان حضرت مهدی (ارواحنا فداه) از دور ما را ببیند خوشحال شود؟! آیا ما کاری کردیم که وقتی حضرت بحث‌های ما را ببیند و مناظرات ما را بشنود خوشحال شود و بفرماید: فلانی، فلانی؟! عزیزان آنچه می‌تواند ما را به جایی برساند.

**(وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)**

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

**سوره نجم (۵۳): آیه ۳۹**

«هشام‌ها» از شکم مادر مناظره کننده نبودند. زمانی که «هشام» آمد با وجود اینکه بسیاری از پیرمردها خدمت امام صادق نشسته بودند، در آن زمان «زراره» بیش از ۵۶ سال داشت. همچنین «أبان بن تغلب» هم سن بالایی داشت، همو که تنها راوی امام صادق که اجازه اجتهاد خود را از دست امام گرفته بود و حضرت امام باقر درباره او فرمودند:

**« إجلس في مسجد المدينة وافت الناس ، فإني أحب أن يری في شيعتي »**

در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده من دوست دارم در بین شیعیانم افرادی همانند تو باشند.

النجاشي الأسدي الكوفي، أحمد بن علي بن أحمد بن العباس \_متوفى ٤٥٠ق\_، فهرست أسماء مصنفى الشيعة

المشتهر ب رجال النجاشي، ص ١٠، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي -

قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

بنده در شرح حال هیچ یک از اصحاب ائمه اطهار ندیدم که امام اجازه فتوا برای یک راوی صادر کند. این راویان همگی نشسته بودند، اما زمانی که «هشام بن حکم» چهارده ساله می‌آید امام صادق کنار خود برای او جا باز می‌کند و می‌فرماید: «هشام!» کنار من بنشین.

زمانی که «هشام بن حکم» می‌آید، اصحاب با مرد شامی شروع به بحث و مناظره می‌کنند. جریان این مناظره خیلی طولانی است، اما بنده فقط یک یا دو نکته را از این مناظره عرض کنم.

زمانی که مرد شامی می‌خواهد مناظره کند، امام صادق می‌فرماید: برادر شامی! در چه موضوعی می‌خواهی مناظره کنی؟

بنده غالب مناظراتی که دوستان انجام می‌دهند را ملاحظه می‌کنم. مخصوصاً مناظرات اخیر مربوط به «احمد الحسن» یا به تعبیر آیت الله العظمی کورانی «دجال بصره».

در این مناظرات، آقایان علم و اطلاعات خوبی دارند و من هم به نوبه خودم از آنها تشکر می‌کنم، اما از فن مناظره بی‌خبر هستند. در این مناظرات موضوع معین نمی‌شود به همین خاطر طرف مقابل از این شاخه به آن شاخه می‌پرد.

مشاهده کنید امام صادق در این مناظره درس عملی می‌دهند و می‌فرمایند: "برادر شامی! در چه زمینه‌ای می‌خواهی مناظره کنی؟" موضوع معین کن و از آن موضوع هم حق نداری بیرون بروی!!

مرد شامی می‌گوید: یابن رسول الله! من می‌خواهم در رابطه با علوم قرآنی با شما مناظره کنم. حضرت به «حمران بن اعین» برادر «زراره» می‌فرماید:

«يا حُمْرانُ ذُونکَ الرَّجُلُ»

حمران! بیا با این مرد مناظره کن.

«فَقَالَ الرَّجُلُ إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حُمْرَانَ»

مرد شامی می‌گوید: یابن رسول الله! من می‌خواهم با شما مناظره کنم، نه با حمران.

دوستان، اساتید و سروران گرامی! اجازه بدهید من در اینجا برای شما حاشیه‌ای بزنم. من دست همه شما را می‌بوسم و افتخار می‌کنم. مشاهده کنید امام صادق در رابطه با «حمران بن اعین» چه دارد!

آیا روزی می‌رسد که حضرت ولی عصر نسبت به ما چنین تعبیری را به کار ببرد؟! حضرت فرمود:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

اگر بر حمران پیروز شدی، بر من (امام صادق) پیروز شدی.

الطوسي، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفاي ٤٦٠هـ)، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ج ٢، ص ٥٥٤، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستربادي، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، تاريخ الطبع: ١٤٠٤ هـ

امام کاظم هم به «محمد بن حکیم» می‌فرماید: آنچه از ما یاد گرفتید را ببرید با دشمنان مناظره کنید. اگر

مغلوب شدید؛



«حَاجُّوا النَّاسَ بِكَلَامِي، فَإِنْ حَاجُّوكُمْ كُنْتُ أَنَا الْمَخْجُوجُ لَا أَنْتُمْ»

إعتقادات الإمامية، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۴۳، باب [۱۱] باب الاعتقاد فی التناهی عن الجدل

و المراء فی الله عزّ و جلّ و فی دینه

امام صادق چه کرده است؟! اصحاب به چه مرحله‌ای از علم رسیدند که امام صادق می‌فرماید:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

مرد شامی سپس تقاضا می‌کند که در رابطه با مسائل ادبیات با حضرت مناظره کنند. امام صادق به «أبان بن تغلب» دستور می‌دهند: یا أبان! بلند شو و مناظره کن. حضرت در همان لحظات اول او را مغلوب می‌کند.

مرد شامی پس از آن درخواست می‌کند که در رابطه با فقه با حضرت مناظره کند. امام صادق به «زراره» دستور می‌دهد که با مرد شامی مناظره کند.

دوستان عزیز مشاهده کنید که امام صادق در هر رشته یک متخصص تربیت کرده است. شاید امام صادق صدها متخصص تربیت کرده باشند، اما در این مجلس نمی‌فرمایند: «حمران» در فقه و ادبیات و رشته‌های دیگر با مرد شامی مناظره کن!

زمانی که مرد شامی شکست می‌خورد، می‌گوید: یا بن رسول الله! بیایید در رابطه با علم کلام با هم مناظره کنیم. حضرت به «مؤمن الطاق» دستور مناظره می‌دهند.

زمانی که مرد شامی درخواست می‌کند در رابطه با استطاعت با امام صادق مناظره کند، حضرت به «هشام بن سالم» دستور مناظره می‌دهد.

مرد شامی که در تمام حوزه‌ها شکست می‌خورد به امام صادق می‌فرماید: یا بن رسول الله! بیا در رابطه با بحث امامت با هم مناظره کنیم. او تصور می‌کند که اگر در این زمینه مناظره کرد، مناظره را برده است و دست امام صادق مقابل شاگردانش خالی است.

نوبت به قهرمان دنیای جدل و مناظره «هشام بن حکم» چهارده ساله می‌رسد. حضرت می‌فرماید: «هشام بن حکم!» بلند شو و با او مناظره کن.

نقل شده است که «هشام بن حکم» آنچنان عرصه را بر این مرد شامی تنگ کرد که امام صادق می‌فرماید: «هشام» آنچنان عرصه را بر تو تنگ کرد که حتی فرصت فروبردن آب دهان را هم از تو گرفت!

زمانی که مناظره تمام می‌شود، امام صادق همانند یک مربی نقاط قوت و ضعف اصحاب را تذکر می‌کند. حضرت به «مؤمن الطاق»، «هشام بن سالم»، «أبان بن تغلب»، «زراره» و دیگر اصحاب نقاط قوت و ضعف آنها را گوشزد می‌کند.

اصحاب منتظر بودند تا حضرت نقاط ضعف «هشام بن حکم» را هم بفرمایند، زیرا که او نسبت به دیگر اصحاب نوجوان بود. زمانی که حضرت به «هشام بن حکم» می‌رسد، می‌فرماید:

**«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»**

هشام بن حکم با قلب و زبان و دست خود ما را یاری می‌دهد.

دوستان اگر تمام ثروت‌ها و مقامات روی زمین را در یک کفه بگذارند و این جمله امام صادق در کفه دیگر باشد، والله میلیارد میلیارد ارزش دارد.

## «فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

مواظب باش در مناظرات لغزش نکنی، ان شاءالله کمک ما بالای سر توست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۱۷۲

و ۱۷۳، ج ۴

این چه افتخاری برای این مرد بزرگ و کم سن و سال است!! آری؛ امام صادق سلام الله علیه این چنین شاگردانی تربیت می‌کند، آن‌ها را در جامعه رها می‌کند و دستور به مناظره می‌دهند.

عزیزان به این مطالب دقت کنند، زیرا بعضی افراد از مناظره می‌ترسند و ادعا می‌کنند که این روایات با وحدت سازگاری ندارد. مشاهده کنید که امام صادق چه فرمایشی بیان می‌کنند.

«مرحوم شیخ مفید» این روایت را در کتاب «تصحیح اعتقادات» صفحه ۷۱ آورده است. معمولاً روایاتی در کتاب‌های اعتقادی می‌آید که تمام قنطره‌های رجالی را سپری کرده باشد. امام صادق به بعضی از شاگردان خود فرمود:

«بینوا للناس الهدی الذی أنتم علیه»

حقانیتی که شما شیعیان دارید را برای مردم بیان کنید.

«و بینوا لهم [ضلالهم الذی هم علیه] و باهلوهم فی علی بن ابی طالب»

با این افراد مناظره کنید، گمراهی آن‌ها را بیان کنید و اگر نتیجه نداشت در مورد علی بن ابی طالب مباحثه کنید.

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱، فصل

### فی النهی عن الجدل

این دستور امام صادق (سلام الله علیه) است، حرف کوچکی نیست! امیدواریم ان شاءالله از این جلساتی که به نام نامی امام صادق سلام الله علیه تشکیل می‌شود، بهترین بهره‌برداری را داشته باشیم. یکی از بهترین بهره‌برداری‌هایی که می‌توانیم انجام دهیم این است که در این زمینه وارد شویم. من به عنوان یک برادر کوچک و کسی که ۳۵ سال عمر خود را در این زمینه سپری کرده است از همه عزیزان و سرورانم تقاضا می‌کنم که بیاییم امشب با امام صادق عهد و پیمان ببندیم، قسم یاد کنیم و با خداوند عهد کنیم هر روز در این زمینه کار کنیم.

تقاضا می‌کنم هر روز یک ساعت نه بیشتر وقت خود را صرف آگاهی و بصیرت حقانیت امیرالمؤمنین و حقانیت شیعه کنید. یک ساعت وقت بگذارید شبهاتی که وهابیت مطرح می‌کنند را خوب فرا بگیرید.

بسیاری از دوستان از من سؤال می‌کنند که ما از کجا شروع کنیم! من بارها گفتم بهترین کتاب برای ورود به این عرصه کتاب «المراجعات» اثر «مرحوم شرف الدین» است. من کتابی بهتر، زیباتر، معتدل‌تر و مستندتر از کتاب «المراجعات» ندیدم.

نود درصد علمای بزرگ اهل سنت و اساتید دانشگاه‌های آنها که شیعه شده‌اند به واسطه خواندن این کتاب شیعه شده‌اند. قدر این کتاب را بدانید. من به دوستانم توصیه می‌کنم همانطور که کتاب‌های درسی حوزه را با هم مباحثه می‌کنید، کتاب «المراجعات» را هم مباحثه کنید.

توصیه می‌کنم این مطالب را فرا بگیرید. بنده معتقدم اگر کسی کتاب «المراجعات» را خوب بخواند و خوب درک کند زمانی که با قوی‌ترین عالم سنی و وهابی مناظره کند در پنج دقیقه اول او را شکست می‌دهد و حقانیت اهل بیت را نشان می‌دهد.

عریضمان بس! شب شهادت امام صادق (سلام الله علیه) است. ان شاء الله عزیزمان همه ما را به فیض می‌رسانند. امام صادق پس از یک عمر تلاش و کوشش برای نشر فرهنگ اهل بیت عاقبت در چنین شبی توسط «منصور دوانیقی علیه اللعنة» به شهادت رسید. او زهری را در انگور داخل کرده بود و به زور به خورد امام صادق داد. من نمی‌دانم این زهر با قلب مقدس امام صادق چه کرد. حضرت به فرزندش امام کاظم وصیت کرد، به کنیزش وصیت کرد، به همسر گرمی‌اش وصیت کرد. اطرافیان مشاهده کردند حضرت بعد از وصیت جان به جان آفرین تسلیم کرد. امام کاظم (سلام الله علیه) با لباس احرامی که از امام سجاد به یادگار مانده بود، امام صادق را غسل داد و کفن کرد. حضرت را با آبرومندی روی دست‌ها تشییع کردند و در قبرستان بقیع محترمانه دفن کردند. جان‌ها به فدایت یا حسین! سه شبانه روز جنازه پاکت روی سرزمین کربلا بی کفن مانده بود.

«الا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون»

خدایا تو را به آبروی امام صادق سوگند می‌دهیم هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام مولایمان بیوشان. خدایا ما را از یاران خاص حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقیة الله الأعظم متصل بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته